

کارشناس کتاب‌های درسی شوید

لایدتا به حال در شبکه‌های اجتماعی مطالبی به چشمتان خورده است که در آن، نقدی به یک تصویر یا جمله‌ای از کتاب درسی دانش آموزان مطرح شده است؛ اینکه چرا فلان مطلب حذف یا اضافه شده است. همین طور اگر فرزند دانش آموزی دارید یا معلم هستید، به احتمال زیاد برایتان پیش آمده است که با ورق زدن یکی از کتاب‌های درسی، نکته‌ای به ذهنتان برسد؛ مثلاً ممکن است از روش حل فلان مسئله ریاضی انتقاد داشته باشید و فکر کنید شیوه‌ای که قدیم‌ها آموزش داده می‌شده، بهتر و ساده‌تر بوده است یا اینکه اگر فلان درس به فلان دلیل حذف می‌شد یا نمی‌شد بهتر بود یا نبود.

تا همین دیروز، راه ساده و همواری برای رساندن صدای ما مردم به متولیان آموزش و پرورش کشور وجود نداشت و انتقادهای و پیشنهادها درباره کتاب‌های درسی، هر قدر هم بجا بود، جز همین

پست‌های جسته و گریخته در فضای مجازی، فرصتی برای ابراز نداشت. چشم‌روشنی امروز مان یک حرکت رو به جلو در نظام آموزشی کشور به حساب می‌آید و ارتباط کارشناسان کتاب‌های درسی با مردم را از حالت یک طرفه خارج می‌کند. آن طور که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور اعلام کرده، امکان نظر سنجی از محتواهای کتب درسی به صورت برخط فراهم شده است. هیچ محدودیتی برای اظهار نظر وجود ندارد و شما هر کس که می‌خواهید باشید- دانش آموز، معلم، والد، کارشناس اداری، استاد دانشگاه، صاحب نظر عرصه تعلیم و تربیت و...- می‌توانید از این امکان استفاده کنید. کافی است به پایگاه اینترنتی nazar.rosd.ir سر بزنید، فرم ثبت نام را تکمیل کنید، کد عضویت را روی گوشی تلفن همراهتان دریافت و نظراتان را ثبت کنید.

نظر شما درباره هر کتابی و هر مقطع تحصیلی‌ای که باشد، چه ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم، فنی و حرفه‌ای و کارودانش کاملاً محترم است و از سوی کارشناسان این سازمان بررسی و ارزیابی می‌شود.



از طرح «بازیکار» تا قصه‌گویی به نیت حاج قاسم

گروه‌های مختلفی با برنامه‌های فرهنگی برای معرفی بیشتر سردار سلیمانی قدم برداشته‌اند

گزارش روز

تکمیل خبر

روزنامه نگار

بخشی از عملکرد تربیتی ما بآنقص در حوزه الگوسازی همراه است. کودک و نوجوان مادر هجوم اطلاعات و آگاهی‌های بی‌رونی، داشته‌ای از درون ندارد و این را اگر غفلت نام گذاری نکنیم، نشانه کم لطفی بسیار است. آن هم در زمانه‌ای که انسان‌هایی با زندگی خاص و نمونه در مملکت خود فراوان داریم. فردا یعنی سیزدهم دی ماه سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی است که سومین سالگردش را پشت سر می‌گذاریم. آن‌ها که به دنبال الگوسازی و معرفی منش والا و شرح زندگانی او بودند در یکی دو سال گذشته برنامه‌های فرهنگی را دست گرفتند و بعضی فقط رفتند سراغ کودکان و نوجوانان، آن‌ها که به خاطر سنشان از زندگی سردار چیزی نمی‌دانند و سرگذشت رشادت و شهادت او را در ذهن ندارند، نه یاری خواندن کتاب‌های جدی را دارند و نه توان دیدن برنامه‌های مستند را. پس باید به زبان بازی و قصه با آن‌ها سخن گفت. گفت وگوهای پیش رو شرحی کوتاه است بر انبوهی از فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته در همین حوزه. به نیت معرفی سردار و الگوسازی از او، روش مشاهده فعالیت‌های بیشتر و شیوه ثبت سفارش را از طریق سایت هم‌رسان به آدرس farhangup.com دنبال کنید.

بازیکار «قهرمان من»؛ یک کارگاه بازی محور

امیرضا ماندگار در سی سالگی و با مدرک مهندسی نرم افزار و کارشناسی ارشد کارآفرینی دارد. او ایده راه اندازی کارگاه بازی برای معرفی بیشتر حاج قاسم را یک سال پیش به همراه همکارانش طراحی و اجرا کرد. فعالیت‌های مجموعه آنان در سه حوزه خلاصه می‌شود؛ یکی ارائه محصولات فرهنگی تخصصی کودک و نوجوان، دیگری نوشت افزارهای ایرانی و اسلامی و سوم هم آموزش‌های بازی محور.

اگرچه کارگاه بازی آن‌ها برای همه سنین کاربرد دارد، مدیرعامل مجموعه باغ فرهنگ به اهمیت آموزش در سنین کودکی اعتقاد دارد و همین هم دلیلی شده است تا مخاطب حوزه‌هایش را کودکان بداند: «آموزش بازی محور یکی از روش‌های مهمی است که در جهان استفاده می‌شود و ما هم سه سال است به صورت تخصصی در این حوزه کار می‌کنیم. بیش از دو سال صنعت و بازار حوزه محصولات فرهنگی و اثرگذاری آن را پایش کردیم و در نهایت متوجه شدیم این فضا پر از کمبود است، درحالی که درباره

این دوران احادیث زیادی داریم، همچون جمله پیامبر (ص) که یادگیری در کودکی را به حکاکی روی سنگ تعبیر کرده‌اند. احساس کردیم در این حوزه تکلیف داریم، طراحی و اجرای بازیکار «قهرمان من» را که ماجرای زندگی سردار است یک هفته‌ای به اتمام رساندند و از سال گذشته در اختیار مخاطب قرار دادند اما استفاده از آن مانند هر بازی دیگری نیست. ماندگار ابتدا شرحی کلی درباره روش کارگاه بازی و انتخاب کردیم ابداع خودمان است. بازیکار یعنی کارگاه‌های بازی محور. بازی‌ها از چهار

بخش تشکیل شده‌اند. ابتدا طرح مسئله است و در گام دوم با استفاده از هم افزایی بچه‌ها یا مربی فعالیت‌ها و مأموریت‌هایی تعریف می‌شود. در مرحله سوم با استفاده از همین فرایند به یک خروجی محصول می‌رسند که ماهیت کارگاه همان است و در نهایت روایتگری. بازیکارهای متعددی از این نمونه دارند، همچون «تا قله»، که درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی و به مناسبت ۲۲ بهمن طراحی شده است. بازیکارها نیاز به حضور مربی دارند و از سوی مجموعه آموزش داده می‌شوند و کودک کنار آن مربی در فضای کارگاهی قرار می‌گیرد و آموزش می‌بیند. ایجاد جذابیت برای همه مخاطبان به توانمندی مربی و گرداننده کارگاه بستگی دارد.

پیشنهاد آن‌ها این است که بسته‌های آموزشی بازیکار به تدریج آموزش داده شوند تا کودک به صورت غیرمستقیم و در طولانی مدت آموزش ببیند. درغیراین صورت انجام آن طی یک روز هم عملی است. انجام بازیکار «قهرمان من»، حدود پنج ساعت زمان نیاز دارد و یک جامعه مخاطب سی تا چهل نفره را پوشش می‌دهد که می‌تواند برای مدارس گزینه بسیار خوب و سرگرم کننده و درعین حال آموزشی جذاب از سردار قاسم سلیمانی باشد. مدیرعامل مجموعه باغ فرهنگ از محصولاتی می‌گوید که در کنار این بازیکارها تولید کرده‌اند: در حوزه معرفی حاج قاسم انواع نشانه‌ها و مدال‌های افتخار، استند، پازل، دفترچه و فضارآبی متناسب این ایام را هم تولید کردیم. سال گذشته نزدیک به ۱۵ هزار محصول ارائه شد. این یعنی هم ککش بازار است هم احساس نیاز. پارسال ۱۰ نوع محصول داشتیم اما اکنون پنجاه یا شصت مورد شده است.



قصه‌گویی با الهام از کتاب حاج قاسم

درسش را خواند با آرزوی اینکه پزشک شود و درد مردم را درمان کند، اما شرکت در کارگاه‌های خلاقیت و مهارت کودک و در نهایت کسب رتبه در جشنواره مادران قصه گو مسیر زندگی اش را تغییر داد و به گفته خودش در راه درمان روح قدم برداشت. هدی دامغانی پنج سالی است مجموعه قصه‌گویی و خلاقیت قاصدک را راه اندازی کرده است و اعضایش زمانی شاگردانش بوده‌اند و قصه‌گویی، نویسندگی، خلاقیت، اوریکامی و موارد دیگر را از او آموخته‌اند و حالا در شهر اجرا می‌کنند. خودش می‌گوید: مخاطب ما کودکان چهار سال به بالا هستند. حتی در دبیرستان هم برنامه اجرا می‌کنیم؛ البته قصه مناسب آن‌ها و اوریکامی خودشان را ارائه



زیست انقلابی به سبک حاج قاسم سلیمانی

محارب... محراب. حروف دقیقاً یکی است، فقط دو حرف جایشان را به هم داده‌اند. اما نتیجه شده است دو دنیا فاصله. ما قمار بود با انقلاب، به منهج علوی و منطبق محراب با مردم رفتار کنیم تا با توسعه عملی مکتب نهج البلاغه جایی برای تبدیل شدن احدی به محارب نباشد اما... اما انگار زلزله آمد و این دو حرف را جابه‌جا کرد تا برخی از اهالی محراب هم از محارب بگویند. ما باید به همان منطق محراب برگردیم، همان که در رفتار شهید سلیمانی به «مکتب» تبدیل شده بود، همان مکتبی که مورد تأکید و تصریح

یادداشت

تکمیل خبر

روزنامه نگار

رهر فرزانه انقلاب است: «سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم، در این راه است که می‌توانیم راه بر بیراهه ببندیم و دگر باره نگاه همه را به محراب بکشیم. در این منهج است که به بلاغت تمام می‌توان مهربانی را توسعه داد. می‌شود «دست‌گیری» را چنان گسترش داد که نوبت به «دستگیری» نرسد. خدا خیر بدهد کسانی را که در «اخبار فوری»، «دست‌گیری حاج قاسم» را نیکو به تصویر درآورند. صحنه همان صحنه اغتشاشات و درگیری است و آتش و شعار نویسی. یک دست است شبیه دست حاج قاسم و همان انگشت معروفش که به میدان می‌آید و اسلحه مأمور را پایین می‌آورد. سنگ را از دست جوان معترض می‌گیرد، حجاب را سر دختر می‌کند، جلوی نعدی به چادر را می‌گیرد، باتوم را

می‌گیرد، چماق را می‌گیرد، پرچم را از دست کسی که می‌خواهد بسوزاند می‌ستاند، اسپری را از دست کسی که نوشته است «مرگ بر» می‌گیرد و نوشته‌اش را چنین کامل می‌کند: «مرگ بر تفرقه»، واقعا هم مرگ بر تفرقه که توان ما را می‌فرساید و همه منافع را به حساب دشمنی می‌گذارد که نه سرفرازی که سر برگردن داشتن ما را هم نمی‌خواهد. درینا که برخی هامن، مشن در چهره هم می‌شویم تا او بخندد. قهر و کینه خون به چشمانمان آورده است. فراموش کرده‌ایم رسم زندگی مردی را که آمریکای تروریست خون او را در سرزمینی ریخت که به کربلا می‌پیوست. یادمان رفت حرف و نگاه او درباره دختر بدحجاب را. فراموشمان شد نسبت فرزندی را که او تعریف کرد. حال آنکه همیشه باید در یاد داشته باشیم رسم او را و درس

ابتدای داستان با اجرای تئاتر آغاز می‌شود. برنامه چند رسانه‌ای «یار همیشه همراه» از شرح زندگی حضرت زهرا (ص) آغاز می‌شود و به زندگی حاج قاسم پیوند می‌خورد. میان جملات آن اجرا، محتوایی به کودکان منتقل خواهد شد از مفهوم دشمن و دشمن شناسی، ایستادگی در برابر دشمنان و شیوه‌های مقابله. در پایان مراسم کودکان با بخشی از سرود سلام فرمانده (عهد می‌بندم) عهدی با شهید قاسم سلیمانی می‌بندند و برنامه به اتمام می‌رسد.

این توضیحی کوتاه از طرح «یار همیشه همراه» از زبان حجت الاسلام والمسلمین علی رجبی است. وی به عنوان مسئول گروه تبلیغی بوستان غنچه‌ها سال هاست در حوزه کودکان به کار فرهنگی مشغول است، نزدیک به هفده سال. دلیلش را هم این گونه بیان می‌کند: انگیزه اصلی ما فعالیت‌های بسیار کمی بود که در بخش انتقال مفاهیم دینی به کودکان انجام می‌گرفت، به ویژه در حوزه محتوا. یعنی

مجری داشتیم اما محتوا نداشت. بود. برای همین مجموعه خودمان را با تمرکز بر تولید محتوا و اجرا راه اندازی کردیم.

در مدت فعالیتشان شش یا هفت کتاب و پنج نرم افزار مختلف را وارد بازار کرده‌اند که همگی با موضوعات مذهبی زندگی ائمه (ع) و معصومین (ع) شکل گرفته است: «هدف ما طبعی بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب تبیین مبارزه و ایستادگی در مقابل دشمن است.»

مجموعه چند رسانه‌ای «یار همیشه همراه» را سال گذشته به اجرا رساندند. خودش و همکار دیگرش به نام محمدرضا بنا کرمانی

مسئولیت اجرای تئاتر و برنامه را در مدارس و میان کودکان و نوجوانان برعهده دارند به کمک صوت و تصویر.

مسئول گروه تبلیغی بوستان غنچه‌ها دیگر نکته‌های اجرای این برنامه را این طور شرح می‌دهد: اجرای ما چهل دقیقه طول می‌کشد. بنا بوده است که این برنامه از دهه فاطمیه و شهادت حضرت فاطمه زهرا (ص) تا شهادت حاج قاسم ادامه داشته باشد و بر مبنای درخواست‌ها روزی دو یا سه اجرا در مراکز مختلف داریم.

این برنامه نیز جزو دیگر طرح‌های گروه تبلیغی آن‌ها باقی می‌ماند و پس از پایان روزهای شهادت و در بقیه ایام سال نیز با درخواست مدارس اجرا خواهند کرد.



خواهیم کرد. بعد از جشنواره «مادران قصه گو» احساس کردم روش قصه گفتن ظرفیت بزرگی برای آموزش است که مغفول مانده است و همان را ادامه دادم. برنامه آن‌ها برای سالگرد شهادت سردار سلیمانی در راستای همان قصه‌گویی و اوریکامی است. ایده داستانی مخصوص به او را کلید زدند و در مراکزی که دعوت شدند، اجرا کردند. دامغانی ادامه می‌دهد: ایده اصلی قصه را از کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم» سردار برداشتیم. قصه ما بر محور آموزش مراقبت از دیگران و انسان واقعی بودن می‌چرخد که حدود ۴۵ دقیقه زمان می‌برد. سال گذشته و در ۱۰ روزی که نزدیک به سالگرد شهادت بود ۲۵ بار اجرای قصه داشتند و فقط در روز شهادت سردار سیزده اجرا. تعدادشان زیاد است و در شهر پراکنده هستند و قصه‌گویی و آموزش اوریکامی را یک نفره اجرا می‌کنند. مجموعه‌ها به سایت هم‌رسان سفارش می‌دهند و آن‌ها اعزام می‌شوند. قصه‌های مناسبی زیادی طراحی کرده‌اند و هنوز هم کارشان را با قوت ادامه می‌دهند.



بگیریم از مکتب سلیمانی، اوپی که حساب قطرات آبی را که فرزندش نوشید هم داشت، حواسش به شکلات‌های روی میز هم بود و باور داشت، فمّن یعمل مثقال ذره، را. واقعا این مکتب راه را بر اختلاس می‌بندد. واقعا اگر مسئولان محترم به شیوه سلیمانی سربازی کنند، مشکلات رفع می‌شود، حتی اگر در زمین هم بماند در ضمیر و ذهن جامعه حل می‌شود. یادم هست که برنامه‌ای دیدیم که راننده خودرو مسافر بر جلوی فرودگاه مسافری سوار کرد و همان اول سر درد دلش باز شد. اما وقتی فهمید مسافر، حاج قاسم است، جمله‌ای گفت که بیان حال اکثریت مردم ما می‌تواند باشد، اگر تو حاج قاسمی، من دیگر هیچ مشکلی ندار. یعنی وقتی تو با آن جایگاهت بی برداشت از بیت‌المال و چنین ساده زیست می‌کنی من همه کمبودها را می‌پذیرم. واقعا اگر مسئولان به قاعده مکتب سلیمانی رفتار کنند، ما مردم هم همه مشکلات را بر جان هموار می‌کنیم. نتیجه، این می‌شود که همه در مسیر محراب حرکت می‌کنیم بی آنکه کسی محارب شود.